



تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۱۲/۲۵

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۲/۲۰

فصلنامه دانش امنیتی
سال سوم * شماره نهم * بهار ۱۳۹۸

واکاوی تبعات امنیتی کاهش جمعیت در ایران

محمد علی حکیم^۱

مهدی صباغی^۲

محمد مهدی ریاحی اصل^۳

چکیده:

اهمیت و جایگاه جمعیت به عنوان رکنی از ارکان تضمین کننده امنیت برکسی پوشیده نیست. جمعیت در قالب سرمایه اجتماعی مؤلفه اساسی استقرار و تداوم امنیت ملی است. امروزه بسیاری از کشور های جهان با مشکلات مربوط به تغییرات جمعیتی مواجه هستند. کشور ایران نیز تغییرات بنیادین فرایند های جمعیتی و عدم تعادل آن را، از طریق اجرای برنامه های نادرست عوامل داخلی و تحمیل سیاست های استعماری خارجی تجربه نموده است. به لحاظ تاریخی کنترل جمعیت در ایران، در دو برهه تاریخی (قبل و بعد از انقلاب اسلامی)، کنترل جمعیت، تبعات متعددی در ساحت های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی در پی داشته است. پژوهش حاضر با علم به فرایند کنترل آگانه و تعمدی جمعیت در ایران، بدنبال کشف و نشان دادن تبعات امنیتی حاصل از کاهش جمعیت؛ تبیین مسئله پیشگیری از ازدیاد نسل، دلایل بروز این مسئله و از همه مهمتر پاسخ به «سوال چه باید کرد؟» است. نگارنده از طریق، توصیف و تحلیل وضعیت های یاد شده به نتایج مطلوبی نایل شده است که؛ از آن جمله می توان به روابط علی و معلولی پدیده کنترل جمعیت و نقش آن در تضعیف امنیت ملی پایدار اشاره نمود و در پایان جهت برون رفت از وضع موجود و ممانعت از پیری جامعه ایرانی راهکارهایی ارائه می گردد.

واژگان کلیدی: ایران، امنیت، استعمار، کاهش جمعیت.

مقدمه

^۱ دانشجوی دکترای علوم سیاسی دانشگاه آزاد واحد تبریز، مدرس دانشگاه افسری و تربیت پاسداری امام حسین (ع)، دانشکده امنیت تهران، ایران - mohammadali.h86@gmail.com نویسنده مسئول تلفن:

۰۹۱۴۴۷۸۹۵۳۵

^۲ عضو هیئت علمی دانشگاه افسری و تربیت پاسداری امام حسین (ع)، دانشکده امنیت تهران، ایران.

^۳ دانش آموخته کارشناسی ارشد مدیریت بحران





امروزه امنیت ملی یکی از مهمترین ضرورت های حیات سیاسی کشور هاست. مؤلفه جمعیت با ماهیت پویا از مهمترین ترین ارکان اساسی برای استقرار و تداوم امنیت ملی است. بحث های مرتبط با جمعیت از انگاره های امنیت ملی یک حکومت محسوب می گردد. مسئله جمعیت که در مباحث راهبردی به عنوان «منابع انسانی» مطرح می شود، از جمله مؤلفه ها و شاخصه های اصلی در تعریف «امنیت ملی» به شمار می رود. ایران در حال حاضر جزو ۱۰ کشوری است که به سرعت به سمت کهن سالی در حال حرکت هستند و در جایگاه ششمین کشور جهان قرار دارد که افراد آن به سن پیری می رسند. کاهش جمعیت بحرانی غیر قابل انکار و متأثر از عوامل داخلی و خارجی بوده و بی وقفه در حال پیشروی و گسترش است.

میزان جمعیت ایران یکی از شاخص های توانمندی آن است. در کشور ایران سال هاست به علل مختلف، برخی از سیاست مداران کشور به سمت کاهش جمعیت متمایل بوده اند. این در حالی است که روند کاهش جمعیت جوان می تواند کشور را از جهات مختلف در معرض خطرات جدی و چه بسا جبران ناپذیری قرار دهد. حضرت امام (ره) و رهبر معظم انقلاب هیچ گاه از سیاست های تعدیل جمعیتی دفاع نکرده اند بلکه امام در بیاناتشان از ظرفیت ایران برای جمعیت ۲۰۰ میلیونی و مقام معظم رهبری از جمعیت ۱۵۰ میلیونی سخن به میان آورده اند. ایشان در خصوص جمعیت فرموده اند: «من معتقدم که کشور ما با امکاناتی که داریم می تواند صد و پنجاه میلیون نفر جمعیت داشته باشد. من معتقد به کثرت جمعیتیم. هر اقدام و تدبیری که می خواهند برای متوقف کردن رشد جمعیت انجام بگیرد بعد از صد و پنجاه میلیون انجام بگیرد» برای به هم ریختن این معادله باید انقلابی رخ دهد و سیاست های خاصی اعمال شود تا از این بحران بزرگی که در حال وقوع است جلوگیری گردد. روند کاهش جمعیت و تبعات ناشی از آن بقدری جدی است که رهبر معظم انقلاب در سال های اخیر، بارها این مساله را با جدیت به مسئولین و ملت ایران گوشزد نموده و خطرات تحدید نسل و راه کارهای افزایش جمعیت را به مناسبت های گوناگون بیان فرموده اند.

فرایند کنترل جمعیت ایران در دو سطح داخلی و خارجی قابل بررسی است یکی از عوامل مهم ایجاد بحران جمعیت در ایران در بعد داخلی مشکلات و نارسایی های اقتصادی است که نقطه عطف آن پذیرش شعار تبلیغاتی و انحرافی «فرزند کمتر / زندگی بهتر» است لکن اعتماد به نسخه بیگانگان یکی از مهم ترین عوامل ایجاد بحران جمعیت در ایران است. عامل خارجی نیز در ارتباط با عامل داخلی، تحمیل نسخه های ارائه شده توسط بیگانگان به خصوص غربی ها در پوشش نهادهای بین المللی را در پی داشته است؛ و به قول مقام معظم رهبری: «بعضی از مسئولین ما در



گوشه و کنار کشور به نسخه بیگانگان اعتماد بیشتری دارند تا به نسخه داخلی و این هم خطای بزرگی است» البته تجربه مقاطع گوناگون روابط خارجی ایران با جهان غرب، این مدعا را به اثبات رسانده است که راهبرد نظام سلطه غرب در مواجهه با منافع ملت ایران، «تبدیل فرصت‌ها به تهدید» بوده است. برژینسکی: «از فکر کردن به حمله پیش‌دستانه علیه تأسیسات هسته‌ای ایران اجتناب کنید و گفت‌وگوها با تهران را حفظ کنید. بالاتر از همه، بازی طولانی‌مدتی را انجام دهید، چون زمان، آمارهای جمعیتی و تغییر نسل در ایران به نفع رژیم کنونی نیست». نظام سلطه با علم به نقش جمعیت در امنیت ملی به دنبال کنترل آن از طریق کمک‌های مالی، تبلیغات گسترده و ... می‌باشد در ادامه عوامل متعدد پدیده کاهش نسل در حوزه‌های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی و همچنین تبعات ناشی از کنترل جمعیت و تأثیر آن بر امنیت ملی مورد واکاوی قرار می‌گیرد.

اهمیت و ضرورت تحقیق

ضرورت مطالعه و تحقیق رابطه جمعیت و امنیت ملی زمانی اهمیت پیدا می‌کند که؛ نگاهی عالمانه به تهدیدات امنیتی داشته باشیم. امنیت ملی یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های هر کشور است. بر همین اساس، شناسایی عوامل و مولفه‌های امنیت ساز، از پیش شرط‌های اساسی در جهت برنامه‌ریزی برای تضمین و ارتقای امنیت ملی به شمار می‌رود. برای استقرار و تداوم امنیت پایدار، جمعیت یکی از مؤلفه‌های مهم قدرت ملی است. مسئله جمعیت و کثرت آن معمولاً در طول تاریخ به عنوان عاملی مؤثر در شکل‌دهی به قدرت کشورها بویژه در ابعاد نظامی، سیاسی و اقتصادی مطرح بوده است. به طوری که رشد جمعیت در یک قبیله، جامعه و کشور به معنای قدرت بیشتر حاکمان در آن منطقه به شمار آمده است. از این رو معمولاً در مباحث نظری، مفهوم قدرت ملی در توانایی، قابلیت و ظرفیت یک کشور یا یک ملت برای استفاده از منابع مادی و معنوی خود با هدف اعمال اراده معنوی و تحصیل اهداف و منافع ملی تعریف می‌شود و از همین جاست که اهمیت عامل جمعیت در تولید قدرت ملی برجسته می‌شود. برخی از کشورها، مثل چین براساس وسعت جمعیت دارای حق و تو هستند و کشوری مانند هند به خاطر فراوانی جمعیت دارای قدرت منطقه‌ای و دفاعی است. در ایران جمعیت در قالب نهادها، شبکه‌ها و تشکلهای اجتماعی، تأثیر مطلوب و کارسازی، بر روابط نهادی و ساختارهایی مثل دولت، حاکمیت، و نهادهای تأمین امنیت دارد. لکن در زمینه درک و فهم ارزش نیروی انسانی و نقش آن در ایجاد امنیت پایدار، مطالعه دقیق به منظور داشتن جمعیتی پویا و با نشاط ضرورت پیدا می‌کند. این مطالعه برای شناساندن عوامل کاهش نسل و اعتبار بخشیدن به ازدیاد جمعیت در ایران از اهمیت قابل توجهی برخوردار است.





اهداف تحقیق:

مطالعه تحولات کمی و کیفی جمعیت از موضوعات راهبردی و تعیین کننده همه تمدن هاست و همه مکاتب بشری به جمعیت و ساختارهای کمی و کیفی آن بصورت ویژه ای توجه نموده و برای مدیریت شاخص جمعیت، راهبردها و برنامه‌های هدفمندی داشته اند. مطالعات متعددی نشان می دهد که هرم جمعیتی کشور تحت تاثیر سیاست های نادرست، به سمت پیر شدن است، از اینرو، بررسی علل وعوامل موثر بر کاهش جمعیت و تبعات تغییرات جمعیتی بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران، از اهداف این پژوهش است.

پیشینه بحث

برنامه‌های تنظیم خانواده در مفهوم اخص در سطح جهانی قدمتی حدود ۵۰ سال دارد. هرچند جمعیت ایران پس از دهه ۲۰، به دلیل افزایش مستمر مرگ و میر با کاهش جدی جمعیت مواجه بود، اما در دوره زمانی بین سال های ۱۳۶۰-۱۳۳۰، با رشد شتابان جمعیت مواجه گردید. به طوری که میانگین رشد سالانه جمعیت در این چهار دهه، به رقمی حدود ۳ درصد افزایش یافت. این رشد سالانه موجب شد که جمعیت ایران هر ۲۰ سال، دو برابر و در طول یک قرن، بیش از شانزده برابر شود. یعنی جمعیت ایران از ۱۹ میلیون نفر در سال ۱۳۳۵، به حدود ۵۰ میلیون نفر در سال ۱۳۶۵ افزایش یابد. افزایش نرخ رشد اقتصادی کشور، ارتقا کیفیت و امید به زندگی در ایران و نیز گسترش بهداشت عمومی و به تبع آن کاهش میزان مرگ و میر نوزادان و اطفال، نقش تعیین کننده ای در رشد شتابان جمعیت ایران داشت. به عبارت دیگر، این تحولات موجب شد که رشد طبیعی سالانه جمعیت ایران در فاصله سال های ۱۳۵۵ تا ۱۳۶۵، به رقم ۳/۲ درصد افزایش یابد (امیراحمدی ۱۳۶۹).

در ایران، سیاست های جمعیتی مبتنی بر تنظیم خانواده، طی دو مرحله به اجرا گذاشته شد: ابتدا، پیش از انقلاب و از سال های ۱۳۴۱ برای اولین بار دولت به مسائل جمعیتی توجه کرد. در برنامه سوم عمرانی، مسئله جمعیت مورد توجه قرار گرفت و در سال ۱۳۴۶ واحدی به نام «بهداشت و تنظیم خانواده» در وزارت بهداشتی وقت شکل گرفت. پس از پیروزی انقلاب اسلامی، مدت کوتاهی برنامه های تنظیم خانواده به بوته فراموشی سپرده شد. نتیجه این امر، افزایش سریع موالید و رشد جمعیت بود (کلاتری، ۱۳۷۸: ۱۳). اما در سال های پس از جنگ تحمیلی و از سال ۱۳۶۸، این موضوع مجدداً در دستور کار قرار گرفت. آمار رسمی نشان می دهد که ایران با افزایش ۳/۹ نرخ رشد جمعیت، از لحاظ نرخ رشد جمعیت در ردیف سوم کشورهای جهان قرار گرفته است. از





این پس، موضوع کنترل جمعیت و لزوم تنظیم خانواده از سوی محافل گوناگون علمی و سیاسی مطرح و موافقت و مخالفت های زیادی در پی داشت.

همین امر موجب شد که سیاست های تعدیل رشد جمعیت از طریق تشویق و ترغیب برنامه های تنظیم خانواده و کاهش سطح زاد و ولد و باروری در کشور گرفته شود. تداوم این سیاست در دوران سازندگی و اصلاحات موجب شد که طی سال های ۶۵ تا ۸۴ سطح «باروری» در ایران با سرعتی استثنایی و کم سابقه در سطح بین المللی کاهش یابد. به طوری که شاخص های باروری و به تبع آن، میزان زاد و ولد در مقایسه با سال ۱۳۶۵، به کمتر از نصف تقلیل یافت. میزان باروری کل از ۶/۵ نوزاد زنده برای هر زن در سال ۱۳۶۵، به کمتر از ۳ نوزاد زنده و به تبع آن، میزان رشد طبیعی سالانه جمعیت از ۳/۲ درصد در سال ۱۳۶۵، به کمتر از ۱/۵ درصد در حال حاضر تنزل یافته است (Amir ahmadi 1988).

در این میان، غفلت بزرگی که دولت های چهارم تا نهم مرتکب آن شدند، این بود که رابطه سیاست های کنترل جمعیت، با ترکیب جمعیتی معکوس می باشد؛ یعنی با کاهش موالید و کاهش رشد جمعیت، ساختار جمعیتی دگرگون می شود؛ به این معنا که سیاست کاهش مستمر زاد و ولد و انتقال از باروری طبیعی به باروری کنترل شده، به تدریج ساختار سنی جمعیت ایران را از وضعیت جوانی خارج و به طرف سالخوردگی سوق می دهد.

مبانی نظری پژوهش

قدرت ملی، «National power»

به مجموع تمامی منابع در دسترس یک ملت برای پیگیری اهداف ملی خود گفته می شود (ویکی پدیا). قدرت ملی یک کشور عبارت است از مجموع توانایی های آن کشور در تحمیل اراده خود بر سایر کشورها برای نیل به منافع ملی خود. قدرت ملی از مهمترین و اساسی ترین وسایل حفظ موجودیت و تأمین اهداف و منافع ملی کشورها تلقی می شود. در علم سیاست منابع قدرت دولت به دو دسته: منابع محسوس و منابع نامحسوس دسته بندی می شوند. مهمترین منابع محسوس دولت عبارتند از: ۱- جغرافیا ۲- وسعت سرزمین ۳- منابع ملی ۴- توان اقتصادی ۵- توان نظامی ۶- جمعیت.





امنیت ملی

امنیت ملی به الزاماتی اشاره می‌کند که بقای دولت ملی را از طریق به کارگیری قدرتاقتصادی، ارتش و توان سیاسی و استفاده از ابزار دیپلماسی حفظ نماید (ویکی پدیا). درامان بودن، ایمنی یک ملت، آرامش و آسودگی (عمید، ۱۳۸۹: ۱۲۶)، بی خوف، جای امن (دهخدا، ۱۳۴۹: ۲۱۱)، و ایمن شدن (معین، ۱۳۸۵: ۳۵۵)، رابرت ماندل می‌گوید: امنیت ملی شامل تعقیب روانی و مادی ایمنی است و اصولاً جزء مسئولیت‌های حکومت‌های ملی است، تا از تهدیدات مستقیم ناشی از خارج، نسبت به بقای رژیم‌ها، نظام شهروندی و شیوه زندگی شهروندان خود ممانعت به عمل آورند (ماندل، ۱۳۸۷)، والتر لیپمن در مورد امنیت ملی چنین گفته‌است: یک ملت زمانی امن است که در صورت اجتناب از جنگ، در معرض قربانی کردن ارزش‌های خود نباشد و در صورت ورود به جنگ بتواند با پیروزی در جنگ، ارزش‌های خود را پاس بدارد (نصری، ۱۳۸۰). امنیت ملی در دو گفتمان سلبی و ایجابی بیان شده‌است. امنیت ملی در گفتمان سلبی به پاسداری از سرزمین، حاکمیت و مردم در مقابل خطرات و تهدیدات دشمنان کشور معطوف است و گفتمان ایجابی ضمن حفظ منافع ملی به دنبال کسب فرصت‌ها برای توسعه و پیشرفت می‌باشد (نویدینیا، ۱۳۸۸).

منابع انسانی

مایکل تودارو اقتصاد دان بزرگ در کتاب توسعه اقتصادی در جهان سوم قولی از فردریک ها بیسنون استاد صاحب کرسی دانشگاه پرینستون در بخش آموزش و پرورش ذکر می‌کند و می‌گوید: «منابع انسانی پایه اصلی ثروت ملت‌ها را تشکیل می‌دهد. سرمایه و منابع طبیعی از عوامل تبعی تولیدند در حالی انسان‌ها عوامل فعالی هستند که، سرمایه را متراکم می‌سازند و از منابع طبیعی بهره‌برداری می‌کنند و سازمان‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی جامعه را بنیان می‌نهند و توسعه ملی را به پیش می‌برند»

جمعیت

به کلیه کسانی که به طور مستمر در یک واحد جغرافیایی (کشور، استان، شهرستان، شهر و یا روستا) به صورت خانوار و خانواده زندگی می‌کنند، «جمعیت» گفته می‌شود (کاظمی پور، ۱۳۸۸: ۱). «به تعداد افرادی که در یک کشور استان، شهرستان، بخش، دهستان، شهر و روستا، و به طور خلاصه در یک سکونتگاه و مکان مرزدار زندگی می‌کنند جمعیت گفته می‌شود. جمعیت



افزایش و کاهش میابد. اگر تعداد افرادی که متولد می‌شوند بیشتر از افرادی که می‌میرند باشد جمعیت افزایش و اگر تعداد افرادی که می‌میرند بیشتر باشد جمعیت کاهش میابد» (ویکی پدیا).

مسئله جمعیت که در مباحث استراتژیک از آن با نام منابع انسانی یاد می‌شود، اصلی‌ترین نقش را در تولید قدرت ملی ایفا می‌کند و سایر عوامل از جمله منابع مادی که شامل منابع زیرزمینی و روزمینی می‌شود و همچنین توان تکنولوژیک، قدرت نظامی و حتی خود سرزمین در کنار عامل جمعیت معنا پیدا می‌کنند. از طرف دیگر جمعیت فعال هر کشور عاملی تعیین‌کننده در معادلات قدرت محسوب می‌شود. اگرچه نمی‌توان یک کشور را تنها به علت آنکه جمعیتی بیش از سایر کشورها دارد، کشوری قوی دانست؛ اما این مسأله نیز حقیقت دارد که اگر کشوری جز دولت‌های پرجمعیت جهان نباشد، نمی‌تواند به قدرتی درجه یک تبدیل شود و یا این مقام را حفظ کند. بدون وجود جمعیتی عظیم، تداوم فعالیت‌های علمی و تولیدات صنعتی و کشاورزی لازم برای اداره موفقیت‌آمیز جامعه، غیرممکن است.

سیاست کنترل جمعیت

به سیاست‌هایی گفته می‌شود که بر کاهش میزان موالید یا رشد جمعیت توجه دارد (ابتکار و شاهوی، ۱۳۸۱: ۵۹)، سیاست کنترل جمعیت، مجموعه اصول، تدابیر و تصمیمات مدون جمعیتی است که از سوی دولت در کشوری اتخاذ می‌شود و حدود فعالیت‌های او را در رابطه با مسائل جمعیتی و یا اموری که نتایج جمعیتی دارند، تعیین می‌کند. هدف سیاست جمعیتی، منطقی کردن و هماهنگ ساختن دگرگونی‌های جمعیتی با شرایط اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی جامعه است تا رفاه و بهروزی بیشتر جمعیت را فراهم سازد (تقوی، ۱۳۱۹: ۱۱) هم چنین به معنای مجموعه اهدافی است که بعد از جنگ جهانی دوم توسط کشورهای غربی برنامه ریزی شد و با افزایش یا کاهش جمعیت ارتباط دارد (عظیم زاده، ۱۳۳۱: ۶).

کنترل موالید

اصطلاح کنترل موالید نخستین واژه ای است که برای مسئله مورد بحث توسط «مارگارت سانجر» آمریکایی ابداع شد. و بر اساس آن: «مفهوم کنترل یا تحدید موالید در مقیاس یک کشور عبارت است از مداخله دولت در جهت تشویق خانواده ها برای به دنیا آوردن کودکانی که تعدادشان کمتر از نسل های پیشین باشد» (طلعتی، ۳)، موالید در اصطلاح به معنی تولید و تکثیر نسل صالح و کارا است.





تنظیم خانواده

واژه «تنظیم» در لغت به معنی ترتیب و آراستگی، استحکام و ترتیب دادن است (دهخدا، ۱۳۴۴: ۱)؛ واژه های «تنظیم خانواده»، «بهداشت باروری» و «کنترل جمعیت»، هریک علاوه بر اشتراکاتی که دارند به مبانی یا اهداف معینی اشاره می کنند. «تنظیم خانواده»، دستورالعمل هایی است که طی آنها بارداری زنان، کنترل و فاصله گذاری می شود. در نتیجه، تعداد جمعیت خانواده کاهش می یابد. این دستورالعمل ها گاهی جنبه حکومتی پیدا می کند و به یک برنامه تبدیل می شود. در این صورت، به عنوان یکی از سیاست های دولتی شناخته می شود. «بهداشت باروری» در کاربرد وسیع و جهانی خود به سلسله رفتارهایی اشاره دارد که هدف اصلی آن ایمن سازی روابط جنسی است. از آنجایی که روابط جنسی و بهبودی نسل می تواند به بارداری منتهی گردد، این دستورات و رفتارها «بهداشت باروری» نامیده شده اند. اما واژه «کنترل جمعیت»، واژه ای جمعیت شناختی است (شیخی، ۱۳۷۹: ۶۵). تنظیم خانواده افزایش موالید را عمدتاً از نظر فردی و در سطح خانواده، مورد توجه قرار می دهد (محمودیان، ۱۳۸۳: ۱۵۳).

ازدیاد نسل

فرهنگ دینی و قرآنی مخالف با کاهش نسل به دلیل نگرانی از معیشت است. قرآن کریم بر ازدواج و امید به فضل الهی برای تامین روزی تاکید دارد: «وَأَنْكِحُوا الْأَيَامَى مِنْكُمْ وَالصَّالِحِينَ مِنْ عِبَادِكُمْ وَإِمَائِكُمْ إِنْ يَكُونُوا فُقَرَاءَ يُغْنِهِمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ» (نور/۳۲)؛ مردان و زنان بی همسر خود را همسر دهید، همچنین غلامان و کنیزان صالح و درستکاران را؛ اگر فقیر و تنگدست باشند، خداوند از فضل خود آنان را بی نیاز می سازد؛ خداوند گشایش دهنده و آگاه است. و در سوره های «انعام/۱۵۱» و «اسراء/۳۱» می فرماید شما نباید ترس روزی داشته باشید. خداوند روزی بچه و شما را می رساند.

روش تحقیق

این پژوهش از حیث نوع تحقیق، کاربردی و از نظر روش توصیفی تحلیلی است در گردآوری داده ها و اطلاعات مورد نیاز، به طریق فیش برداری از منابع کتابخانه ای، اینترنتی و پژوهش های موضوعی استفاده شده است

تاریخچه کنترل جمعیت

بحث تنظیم خانواده به معنای تناسب فرزندان با امکانات و شرایط زندگی در کلیه تمدن ها، سوابق کهن دارد. مستندات باقی مانده، سابقه کنترل موالید را ۴۰۰۰ سال پیش در مصر، ۱۶۰۰ سال





پیش در هند، ۱۳۰۰ سال پیش در چین و ۲۰۰۰ سال پیش در یونان و ایران نشان می‌دهد. تاریخ بشر و سایل و مواد فراوانی را به عنوان ابزار جلوگیری از حاملگی در خود ثبت کرده است» جام جم آنلاین».

در ایران از سال ۱۳۳۷ اولین برنامه‌های تنظیم خانواده در ایران به اجرا گذاشته شد این برنامه‌ها از سال ۱۳۴۸ به صورت متمرکز آغاز گشت سیاست «فرزند کمتر، زندگی بهتر» از سال ۱۳۴۵ تا ۱۳۵۵ و سیاست «تنظیم خانواده» از سال ۱۳۶۸ از جمله سیاست‌های تنظیم خانواده در ایران هستند از دست آورده‌های سیاست‌های تنظیم خانواده، افزایش نرخ رواج پیشگیری از بارداری از ۳۷ درصد در سال ۱۹۷۶ به ۷۵ درصد در سال ۲۰۰۰ می‌باشد. طی یک چرخش ۱۸۰ درجه‌ای، سیاست تنظیم خانواده در اوایل دهه ۹۰ به دلیل نگرانی از سالخوردگی جمعیت کنار گذاشته شد و مقابله با آن از اولویت‌های نظام به شمار می‌رود. در سال ۱۳۸۹ دکتر محمود احمدی نژاد از سیاست‌های کنترل جمعیت انتقاد و نسبت به عواقب آن هشدار داد. و گفت: «با کنترل جمعیت، ۴۰ سال دیگر نامی از ایران نیست». او همچنین شعار «دو بچه کافیت» را زیر سؤال برد و آن را یک شعار غربی دانست؛ احمدی نژاد همچنین اعلام کرد که ایران می‌تواند جمعیتی معادل ۱۵۰ میلیون نفر داشته باشد (ویکی پدیا).

رابطه امنیت و جمعیت

روزگاری دراز، رشد جمعیت و وجود افراد بیشتر در یک قبیله، شهر، ایالت و کشور به معنی امنیت بالاتر بود. اما گذر زمان و طرح شرایط جدید، گرچه در بعد خارجی این ایده را به مبارزه نطلبیده، اما در بعد امنیت داخلی به شدت صحت چنین تصویری را زیر سؤال برده است. رابرت مک نامارا، وزیر دفاع پیشین آمریکا و رئیس پیشین بانک جهانی معتقد است بعد از جنگ هسته‌ای، رشد جمعیت خطرناک ترین مسأله‌ای است که جهان سوم در سالهای آینده با آن مواجه خواهد بود. افزایش سریع جمعیت شهری در جهان سوم همراه با پدیده‌های جانبی، باعث بروز عواقبی شده که امروزه جهان سوم با آن دست به گریبان است. مردم در محیط و محل سکونت خود نیاز به امنیت دارند و نبود و یا کاهش میزان امنیت، تأثیر مستقیمی بر ساختار و تراکم جمعیت در مناطق مختلف می‌گذارد. در محیط‌های کم جمعیت همچون شهرهای کوچک و روستاها که سطح آشنایی مردم با یکدیگر بالاست (حتی تا چند نسل گذشته یکدیگر را می‌شناسند)، خود به خود نوعی نظارت اجتماعی غیررسمی بر ساکنان اعمال می‌شود که در جلوگیری از ناهنجاریها مؤثر است. برعکس در شهرهای بزرگ، به علت بیگانگی شهروندان با یکدیگر ناشی از مهاجرت‌های





داخلی است، این نظارت وجود ندارد. در چنین مراکزی، کنترل و نظارت بر عهده دستگاههای رسمی است که کارآیی آن از نظارت غیررسمی کمتر می باشد. بدیهی است در چنین فضایی، افزایش و تراکم جمعیت و سرانجام صنعتی شدن، به افزایش جرم و جنایت کمک شایانی می نماید. البته باید در نظر داشت که شهرنشینی مستقیمی به کجروی و تهدید امنیت اجتماعی نمی انجامد بلکه زندگی شهری می تواند زمینه ساز چنین پدیده ای تلقی شود؛ چه آن که در شهرها به دلیل اختلاف طبقاتی، گروههای مختلف شغلی، سنی، نژادی و... منافع مختلف و ناهمگنی دیده می شود که باعث ستیز با هنجارهای اجتماعی می گردد و افراد را از بسیاری از قید و بندها می رهااند (سلطانی، ۱۳۷۴: ۱۲۰).

تاریخچه کاهش جمعیت در ایران

الف. قبل از انقلاب اسلامی

بنا بر ادعای مراکز مدیریتی قبل از پیروزی انقلاب اسلامی، «متوسط میزان رشد سالانه جمعیت در دهه ۱۳۳۵-۱۳۴۵ برابر با ۳/۱ درصد در سال بوده است، لیکن در دهه پس از آن، در فاصله سالهای ۱۳۴۵-۱۳۵۵ با کاهش روبهرو بوده و به ۲/۷۱ درصد در سال رسیده است. جمعیت کشور تا موعد سرشماری نفوس و مسکن در ۱۳۵۵ از رشد بالایی برخوردار بوده و به ۳/۹ درصد در سال افزایش یافته است» (حسینی طهرانی، ۱۴۱۵). این موضوع به ایجاد کمیته تدارک برنامه کنترل جمعیت، متشکل از نمایندگان وزارتخانههای بهداشتی، کار و امور اجتماعی، آموزش و پرورش، اقتصاد، سازمان برنامه، دانشگاه تهران و چند نهاد غیردولتی در سازمان برنامه در پایان سال ۱۳۴۵ منجر شد و این کمیته، خطوط اصلی سیاست جمعیتی را برای دولت تعیین و پیشنهاد کرد. در ادامه، با آمدن یک هیئت (میسون) از «شورای جمعیت آمریکا» به دعوت دولت ایران به تهران در همین سال، این هیئت بر اهمیت سیاست و برنامه تنظیم خانواده تأکید کرد.

پس از فراهم شدن زمینههای لازم، سرانجام در سال ۱۳۴۶ با ایجاد یک سمت و واحد معاونت در وزارت بهداشتی برای تصدی و اجرای برنامه در هر یک از مراکز استانها، دفاتر تنظیم خانواده مجهز به کلینیک، پزشک، پرستار، ماما، مددکار اجتماعی، مسئول روابط عمومی و مدیر امور اداری تأسیس شد و وسایل پیشگیری از بارداریهای ناخواسته نیز در اختیار آنان قرار گرفت. در سال ۱۳۵۱ تعداد هزار و پانصد مرکز و کلینیک تنظیم خانواده در ایران به فعالیت مشغول بودند (خبرگزاری ایرنا: ۱۳۹۰).



ب. بعد از انقلاب اسلامی

پس از پیروزی انقلاب اسلامی، برنامه تنظیم خانواده به حال تعطیل درآمد و در نتیجه، سطح مولید کشور، سیر فزاینده سریعی را آغاز کرد. در پنج سال پیش از انقلاب، تعداد متوسط مولید سالانه به حدود ۱ میلیون و ۳۵۵ هزار می‌رسید که یکباره در سال اول انقلاب (۱۳۵۸) به حدود ۱ میلیون و ۶۷۰ هزار افزایش یافت؛ ولی در سال‌های بعد، از این هم فراتر رفت و در سال‌های ۱۳۵۹ تا ۱۳۶۵ (۷ سال) به متوسط سالانه ۲ میلیون و ۲۰۰ هزار تولد رسید (خبرگزاری فارس: ۱۳۸۸). در ادامه عوامل و زمینه‌های کنترل جمعیت در ایران در سطوح داخلی و خارجی تشریح می‌گردد.

عوامل داخلی کنترل جمعیت ایران:

در ایران قبل از انقلاب، این سیاست به عنوان پایه توسعه مدنظر برنامه ریزان بود. سیاست‌های تنظیم خانواده در زمان پهلوی دوم و از سال ۱۳۳۷ به صورت غیرمتمرکز در شکل‌هایی در حال اجرا بود. در سال ۱۳۴۶ در وزارت بهداشتی «معاونت جمعیت و تنظیم خانواده» زیر نظر هویدا تأسیس شد. در آن دوره، نرخ رشد به طور متوسط سالانه ۱/۳ درصد بود که با اجرای سیاست‌های «فرزند کمتر، زندگی بهتر» در دهه ۱۳۴۵-۱۳۵۵ فقط با اندکی کاهش به ۷/۲ درصد رسید. سرانجام در تاریخ ۱۸ اسفند ۱۳۶۷ و یک ماه پیش از آنکه برنامه دوم توسعه کشور در دستور کار مجلس قرار گیرد، این سیاست‌ها به هیأت دولت ارائه شد. وزارت بهداشت با راه اندازی خانه‌های سلامت و بهداشت، فاصله‌گذاری بین زایمان‌ها را از طریق گسترش دسترسی به وسایل مدرن پیش‌گیری از باروری‌های ناخواسته، وازکتومی داوطلبانه برای مردان متقاضی، و برگزاری همایش‌های مختلف انجام داد. البته برخی از این روش‌ها از دیدگاه مراجع تقلید هیچ تطبیقی با احکام شریعت نداشت؛ ازجمله شیوه «وازکتومی و داروهای ضدبارداری» که به مردم و مراجع تحمیل شده بود.

صداسیما در راستای شعار «دو بچه کافی است»، آموزش‌ها و تبلیغاتی را از طریق پخش تیزر و فیلم‌های کوتاه انجام داد و نقش بزرگی در همگانی شدن این شعار ایفا کرد و برنامه‌ها و همایش‌هایی را که در حوزه کنترل جمعیت بود، پوشش داد. نظام آموزش عالی، واحد «تنظیم خانواده» را جزو واحدهای درسی تمام رشته‌های دانشگاهی قرار داد، که در آن، راه‌های پیش‌گیری از بارداری آموزش داده می‌شود. در روستاها قرص ضدبارداری و توبکتومی بیشترین سهم و وازکتومی و IUD پایین‌ترین سهم را در بین روش‌های تنظیم خانواده داشت. آمپول نیز ازجمله روش‌هایی بود که در روستاها مورد استفاده قرار می‌گرفت، به گونه‌ای که در برخی از این



روستاها علی رغم فقدان آب، برق، حمام و داروهای ابتدایی و ضروری، قرص ضدبارداری به طور مجانی در اختیار اهالی قرار می گرفت.

در تمام مراکز و سازمان ها، پوسترهایی در راستای تبلیغ فرزندآوری کمتر مشاهده می شد و حذف کلیه سیاست های تشویقی ۳ اولاد به بالا به عنوان اساس فعالیت های اجرایی مدنظر قرار گرفت و این گونه جمعیت ایران کنترل شد. اصولاً مطرح شدن مسئله کنترل جمعیت از سوی غربیان و استکبار سیاسی و اقتصادی دنیا، و آمد و رفت عناصر فاسد آنها به کشور ما پیرامون این مسئله و اختصاص بودجه کلان برای تأمین نیازمندی های کنترل جمعیتی کشور توسط سازمان ملل و... گویای وجود برخی انگیزه های سیاسی و اقتصادی دنیای غرب از طرح این مسئله است. به عبارت بهتر، اینکه ثروتمندان دنیا و استکبار اقتصادی تا این حد به ملت و مردم کشورهای جهان سوم و بخصوص کشور انقلابی ما علاقه نشان می دهند که برای انجام کنترل جمعیت و مطالعات موردنیاز آن در کشور، پول و امکانات در اختیار ما قرار دهند، باید شک و تردید ما را برانگیزاند که عاطفه مستکبران اقتصادی چرا به جای آنکه در سرمایه گذاری و رشد فناوری کشور ما لبریز شود، در مسئله کنترل جمعیت کشور منعطف شده است؟

عوامل خارجی کنترل جمعیت ایران

برخی صاحب نظران بر این باورند که مهم ترین عامل کاهش نرخ زاد و ولد و به تبع آن کاهش ناگهانی رشد جمعیت در دهه هفتاد و هشتاد، بیش و پیش از آنکه ناشی از اعمال سیاست های تحدید جمعیت نظام اسلامی باشد، از تحولات ساختاری، تغییر سبک زندگی و تسلط گفتمان فردگرایانه و مصرف گرایانه سرچشمه می گیرد که در پی اجرای الگوهای توسعه غربی از اواخر دهه شصت به بعد در کشور رخ داد (رفیع پور، ۱۳۸۰: ۱۴۷ - ۴۷۵). سال هاست سران مجامع مخفی جهانی، مانند مؤسسه سلطنتی امور بین الملل، شورای روابط خارجی، جامعه بیلدربرگرها، کمیسیون سه جانبه، فراماسونری، باشگاه رم و کمیته ۳۰۰، با طرح ها و برنامه های گوناگون زمینه نفوذ و اقتدار نظام سلطه بر مناسبات فرهنگی، سیاسی و اقتصادی ملل جهان را فراهم آورده، سرنوشت ملت ها و کشورهای مستقل جهان را به میل و اراده خود تغییر می دهند (شفیعی سروستانی، ۱۳۹۱: ۱۴۱). راهبرد استعمار در کنترل جمعیت کشورهای هدف، مبتنی بر جنگ و نسل کشی و همچنین ممانعت از زاد و ولد بوده است

خانم دکتر نفیس صدیق سفیر سازمان ملل در ایران، می گوید: «... همه معتقدند که برای جلوگیری از رشد نامعقول جمعیت ایران باید کاری کرد... ما به ایران آمده ایم تا در تنظیم یک برنامه جمعیتی





به ایران کمک کنیم. ضمن آنکه این برنامه کوتاه مدت ۲ ساله، ۴ میلیون دلار هزینه خواهد داشت.» این در حالی است که بوش، رئیس جمهور وقت آمریکا، طرح برنامه کنترل جمعیت آمریکا را رد می کند! حال آیا نباید این سؤال و این فکر در ذهن ما شکل بگیرد که سفیر سازمان ملل برای چه اهدافی راهی کشور ما شده است؟!

اگر گفته شود که بهترین دلیل خیرخواهی کشورهای غربی برای کشور ما در این است که خودشان برنامه کنترل جمعیت را اجرا کرده اند و به خاطر همین نیز از رشد اقتصادی برخوردار شده اند، باید در مقابل گفت: اولاً، آنها هرگز برنامه ای مدون برای کنترل جمعیت نداشته و ندارند، بلکه با فراگیر شدن ارزش های مادی اجتماعی جدید از قبیل رفاه طلبی، فردیت خواهی، اشتغال زنان و... دیگر نیازی به برنامه کنترل جمعیت ندارند تا مردم آن کشورها در چارچوبه سیاست گذاری های کنترل جمعیت قرار گیرند. ثانیاً، بحران جمعیتی کشورهای پیشرفته به دلیل کاهش میزان رشد جمعیت در حد منفی، کار را به آنجا رسانیده است که تلاش همه جانبه و وسیعی برای ازدیاد نسل در اروپا شروع شود، چنان که کاهش قیمت بلیط قطارها و کمک های نقدی برای خانوارهای بیش از ۲ فرزند در فرانسه بهترین مؤید آن است. در هر صورت، آیا جای این شک و تردید وجود ندارد که باید اهداف و انگیزه های سیاسی به دنبال این مسئله وجود داشته باشد؟ (حسینی طهرانی، ۱۳۴۵: ۱۱۶-۱۱۸).

ممانعت از زاد و ولد

سرواندو گونزالز، نویسنده کوبایی، امریکایی، نشانه شناس و تحلیل گر اطلاعاتی، در مقاله ای به بررسی تلاش «باشگاه میلیونرهای امریکایی برای کاهش جمعیت جهان می پردازد و می نویسد: در پنجم می ۲۰۰۹، تعدادی از بدنام ترین اعضای «باشگاه میلیونرها» - دیوید راکفلر، بیل گیتس، تد ترنر، اپرا وینفری، وارن بافت، جرج سوروس، الی برآود، پتر جی. پترسون، پتی استونس فایر، جان مورگریده، مایکل بلومبرگ و تعدادی از میلیونرهای دیگر - مخفیانه در اقامتگاه سر پل نرس، رئیس دانشگاه راکفلر را در منتهن ملاقات کردند. همان طور که انتظار می رفت، رسانه های جریان اصلی امریکا بسیار مراقب بودند تا مردم امریکا را از این جلسه آگاه نکنند، ولی برخی از جزئیات این جلسه، به بیرون راه یافت.

یک روزنامه بزرگ انگلیسی، به نقل از یک فرد ناشناس که در این جلسه شرکت داشته است، گزارش کرد که در این جلسه «بر سر این نکته اجماع شد که آنها باید به راهبردی روی آورند که در آن، از رشد جمعیت به عنوان یک تهدید زیست محیطی، اجتماعی و صنعتی بالقوه فاجعه بار





جلوگیری شود». به گفته دیگر منابع، دیگر میلیونرهایی که در این جلسه محرمانه شرکت داشتند، درباره ابتکار بیل گیتس گفت‌وگو کردند. بد نیست بدانید بیل گیتس اظهار نظرهای مشابهی را در کنفرانسی که در ۱۸ فوریه ۲۰۱۰ در لانگ بیچ کالیفرنیا برگزار شد، مطرح کرده است. گیتس در این کنفرانس گفته است: «پیش‌بینی‌های رسمی نشان می‌دهند که جمعیت جهان به ۹/۳ میلیارد نفر خواهد رسید (به نسبت ۶/۶ میلیارد فعلی)، ولی با ابتکارهای خیره، نظیر مراقبت‌های بهداشتی باروری بهتر، فکر می‌کنیم که بتوانیم این میزان رشد را به ۸/۳ میلیارد نفر کاهش دهیم». اگر بخواهیم این جمله را به زبان سلیس ترجمه کنیم، باید بگوییم که معنای آن حرف این است که آقای گیتس در حال برنامه‌ریزی برای مشارکت کردن در قتل بیشتر از یک میلیارد انسان است.

یکی دیگر از افراد شرکت‌کننده در جلسه منتهن، سزار رسانه‌ای، تد ترنر، میلیونر مؤسس سی. ان. ان بود که در سال ۱۹۹۶ در مصاحبه‌ای با مجله طبیعت‌شناسی آدوبون گفته بود کاهش ۹۵ درصدی جمعیت جهان به ۲۲۵ تا ۳۰۰ میلیون نفر، «ایدئال» خواهد بود. (گوانزالز، ۱۳۹۰) مایکل اسنایدر، ۲۰ پژوهشگر و تحلیل‌گر مسائل سیاسی نیز درباره تصمیم‌نخبگان جهانی برای کنترل جمعیت جهان می‌نویسد: از نظر من و شما، شاید خلاص شدن از ۹۰ درصد جمعیت جهان کاری جنون‌آمیز باشد، اما هرچه می‌گذرد، این اجماع در بین نخبگان جهانی بیشتر می‌شود که رسیدن به چنین هدفی به نفع سیاره زمین است. او در ادامه می‌نویسد: البته اختلاف نظرهایی بر سر این موضوع وجود دارد، اما بسیاری از افراد، آشکارا اعلام کرده‌اند که به اعتقاد آنها جمعیت زمین تنها باید پانصد میلیون نفر (یا کمتر) باشد. مثلاً اولین فرمان از «ده فرمان جدید»، اصول راهنمای بدنام جورجیا بیان می‌کند: «حفظ تعداد جمعیت جهان زیر پانصد میلیون نفر، برای توازن طبیعت، واجب است».

تد ترنر ۲۲ مؤسس سی. ان. ان نیز می‌گوید: «جمعیتی ۲۵۰ تا ۳۰۰ میلیون نفری، یعنی کاهشی ۹۵ درصدی از میزان فعلی، جمعیتی آرمانی است». همچنین، دیوید فورمن ۲۳ یکی از مؤسسان ارث فرست، ۲۴ می‌گوید که کاهش جمعیت جهان به صد میلیون نفر، یکی از سه هدف عمده اوست: «سومین هدف اصلی من، کاهش دادن جمعیت جهان به حدود صد میلیون نفر، نابود کردن زیرساخت‌های صنعتی و توجه به حیات وحش با تمام گونه‌های حیات آن خواهد بود». میخائیل گورباچف نیز فکر می‌کند کاهش ۹۰ درصدی جمعیت جهان، فکری کاملاً درست است: «ما باید به‌روشنی درباره مسائل جنسی، جلوگیری از بارداری، سقط جنین و درباره ارزش‌های کنترل جمعیت سخن بگوییم؛ چرا که بحران زیست‌محیطی در کوتاه‌مدت، بحران جمعیت است. اگر



جمعیت جهان را تا ۹۰ درصد کاهش دهید، دیگر تعداد زیادی انسان باقی نخواهد ماند تا آسیب‌های زیست‌محیطی جدی به زمین وارد آورد» (اسنایدر، ۱۳۹۰).

استفاده از ابتکار جنگ

یکی از مصادیق آشکار مداخله مجامع مخفی در سرنوشت ملت‌های دیگر، موضوع کاهش و کنترل جمعیت جهان است. این مجامع با هدف گسترش سلطه خود بر جهان، از سال‌ها پیش موضوع کاهش جمعیت جهان را در دستور کار قرار داده‌اند و این موضوع را از راه‌های گوناگون پی می‌گیرند. دکتر جان کولمن، نویسنده و پژوهشگر مجامع که پیش‌تر از جاسوسان حرفه‌ای سرویس‌های مخفی بریتانیا بوده است، هنگام برشمردن هدف‌های گروه‌های پنهان می‌نویسد: آنها بر این باورند که برای تحقق مسئولیت آسمانی‌ای که بر عهده آنان گذاشته شده است، باید «از راه ایجاد جنگ‌های محدود و موضعی در کشورهای پیشرفته و به وجود آوردن گرسنگی و بیماری در کشورهای جهان سوم، موجبات مرگ حدود سه میلیارد انسانی را که اصطلاحاً «مصرف‌کنندگان بی‌مصرف» نامیده‌اند، فراهم شود. تا سال ۲۰۵۰ جمعیت ایالات متحده باید در حد یکصد میلیون نفر کاهش یابد» (کولمن، ۱۳۸۰: ۲۶).

در نشست سال ۲۰۱۱ بیلدر برگ که از ۹ تا ۱۲ ژوئن (۱۹ تا ۲۲ خرداد ۱۳۹۰) با حضور آندرس فوگ راسموسن دبیرکل ناتو، خواکین آلمونیا معاون رئیس کمیسیون اروپا، خاویر سولانا مسئول سابق سیاست خارجی اتحادیه اروپا، ژان کلود تریشه رئیس بانک مرکزی اروپا، رابرت زولیک رئیس گروه بانک جهانی، هنری کیسینجر تنوریسین و رئیس شرکت‌های مختلف و مشاور سابق امنیت ملی امریکا، بیل گیتس رئیس سابق مایکروسافت و رئیس فعلی بنیاد گیتس، رابرت گیتس وزیر دفاع سابق امریکا (در زمان برگزاری نشست)، دیوید راکفلر سرمایه‌دار معروف و رئیس سابق بانک منهن، میچل وایت مدیر مسئول هفته نامه اکونومیست، آنجلا مرکل صدر اعظم آلمان، جورما اولیلا رئیس شرکت نفتی رویال داج شل، جرج دیوید رئیس شرکت کوکاکولا، ملکه هلند، هاکان ولیعهد نروژ، پیتر برابک لئما رئیس شرکت نستله، سوفیا ملکه اسپانیا، خوزه لوییز زاپاترو نخست‌وزیر اسپانیا و... در «سنت موریس» سوئیس برگزار شد، بر موضوع افزایش جنگ و کشتار به‌ویژه در منطقه خاورمیانه به منظور کاهش جمعیت رو به افزایش جهان تأکید شد (سایت بیلدر برگ).

جنگ‌های تجاوزکارانه همواره سه هدف عمده را دنبال می‌کنند: ۱. توسعه ثروت (سرمایه)، ۲. اشغال سرزمین (گسترش سرزمین)، ۳. افزایش نفرات (نیروی انسانی). به عبارت دیگر، هدف جنگ





های تجاوزکارانه، دسترسی و سیطره بر منابع، اعم از منابع مالی، تجاری، طبیعی و انسانی است. استراتژی جنگ طلبان و تجاوزگران برای رسیدن به این هدف، کنترل منابع و به حداقل رساندن آن است. این امر از طریق جنگ مستقیم و کشتن سربازان و بمب باران شهرها و کشتن انسان های بی گناه، با هدف کاهش سیطره و نفوذ دشمن بر منابع، کاهش مصرف آنها از این منابع و در نتیجه، کاهش جمعیت محقق می شود. به عبارت دیگر، مهم ترین مانع دشمن در جنگ های تجاوزکارانه، وجود جمعیت جوان و مولد است. ژاکلین کاسون در کتاب «جنگ علیه جمعیت» نشان می دهد که کنترل جمعیت جهانی، کاملاً منطبق بر پارامترهای دکترین نظامی و یک جنگ تمام عیار است (panindigan.tripod.com/panindigan.html).

از نظر آلوین تافلر، پس از پایان جنگ سرد، سرویس های جاسوسی دچار بحران هویت شده و به دنبال هدف و مأموریتی قابل توجه بودند تا وجود خود را توجیه کنند. از دیدگاه آنها دشمن، دیگر اتحاد جماهیر شوروی نبود، حتی کشور کمونیستی چین نبود. کمیسیون سه جانبه پیمان اقتصادی ای در سال ۱۹۷۳ میان آمریکا، اروپا و ژاپن در دفاع از منابع اقتصادی مشترک در مقابل کشورهای در حال توسعه منعقد گردید، این کمیسیون سه جانبه، به عنوان تسریع کننده تغییر قطب ژئوپلیتیک از «شرق در مقابل غرب» به «شمال در مقابل جنوب» به کار رفت. دشمنی که این کمیته خطر آن را جدی می دانست، رشد جمعیت بومی در کشورهای کمتر توسعه یافته با منابع غنی بود (Alvin, 1993:155).

بنابراین، به نظر می رسد در ورای شعارهای جذاب و فریبنده، همراه با بیان یافته های به ظاهر علمی در زمینه پیامدهای کنترل جمعیت، استعمارگران قرار دارند که در پی منافع خود هستند. در دهه هفتاد و در زمان هنری کسینجر (مشاور امنیت ملی رئیس جمهور وقت آمریکا) پروژه ای درباره تأثیر روند رشد جمعیت جهانی بر امنیت ملی آمریکا طراحی و انجام شد. این پروژه، روند فزاینده رشد جمعیت جهانی را برخلاف امنیت ملی آمریکا دانسته و با تشریح استراتژی آمریکا در مورد جمعیت جهانی، سیاست ها، راهکارها، چگونگی همکاری سازمان های بین المللی و روش ترغیب و اقناع رهبران کشورهای مورد نظر برای کاهش روند رشد جمعیت را تبیین می کند. «هنری کسینجر وزیر خارجه اسبق آمریکا در سال ۱۹۷۸ (پنج سال بعد از دریافت جایزه صلح نوبل) می گوید: سیاست آمریکا در قبال کشورهای جهان سوم، باید سیاست جمعیت زدایی باشد» (AIDS, Opium, Diamonds).





بر اساس پروژه کسینجر، جمعیت کشورهای در حال توسعه و با منابع غنی در صورتی که با همان ضریب رشد افزایش یابد، موجب به شدت بالا رفتن خواست ها و انتظارات عمومی در میان مردم از جمله آموزش، اشتغال، بهداشت و مسکن می شود که خود به ناپایداری های اجتماعی و سیاسی در این کشورها تبدیل خواهد شد. این ناپایداری ها در کشورهای دارای منابع غنی، تا اندازه زیادی منافع کشورهای صنعتی همچون آمریکا و بهره آنها از این منابع و سرمایه گذاری در کشورهای فوق را به خطر خواهد انداخت از سوی دیگر، فشار ایجاد شده برای تأمین نیازهای این جمعیت بالا، در آینده موجب می شود که دولت ها و حاکمان این کشورها، به دنبال افزایش قیمت نفت جهت تأمین نیازها و انتظارات رفاهی و معیشتی مردم خود باشند. افزایش قیمت نفت نیز تأثیر بسیار منفی بر روی اقتصاد آمریکا خواهد داشت

(panindigan.tripod.com/panindigan.html).

به همین دلیل، نظریه پردازان کشورهای استعماری با صراحت نگرانی خود را از افزایش جمعیت جوان کشورهای جهان، به ویژه کشورهای اسلامی اظهار می دارند. در واقع، افزایش جمعیت کشورهای اسلامی، معضل عمده فراروی کشورهای استعماری است. از این رو، سایر کشورها را تشویق به کنترل جمعیت می کنند. ساموئل هانتینگتون در بخشی از مصاحبه خود، درباره تمدن اسلام و چین و چالش آنها با تمدن غرب، با اشاره به نقش روزافزون مسلمانان می گوید: «تمدن اسلام تمدنی است که چالش آن تا حدودی متفاوت از دیگر چالش هاست؛ چراکه این تمدن اساساً ریشه در نوعی پویایی جمعیت دارد. رشد بالای زاد و ولد، که در اکثر کشورهای اسلامی شاهد آن هستیم، این چالش را متفاوت کرده است. امروزه بیش از ۲۰ درصد جمعیت جهان اسلام را جوانان ۱۵ تا ۲۵ ساله تشکیل داده اند» (گاردنر، ۱۳۸۶: ۲۹۶).

علاوه بر این، افزایش جمعیت مسلمانان در خود کشورهای غربی نیز نگرانی دیگر قدرت های بزرگ است. رشد منفی جمعیت نژاد اروپایی و زاد ولد زیاد مسلمانان، بر بسیاری از مناسبات سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی کشورهای مزبور تأثیر گذار است؛ زیرا همواره در طول تاریخ جمعیت، یک عامل مهم در اقتدار سیاسی است. به همین دلیل، امروزه کشور چین، یک تهدید جدی برای قدرت های بزرگ محسوب می شود. در مجموع، به نظر می رسد شعار کنترل جمعیت، به عنوان یک سیاست راهبردی با اهداف و انگیزه های خاص، از سوی کشورهای توسعه یافته و استعماری نسبت به کشورهای جهان سوم و در حال توسعه تبدیل شده است.





سیاست های جمعیتی در کشورهای توسعه یافته

دنیای استکبار برخلاف راهبرد استعماری در کشورهای هدف برخلاف راهکارهای کنترلی جمعیت در درون کشورهای خود مشوق های جمعیتی ارائه می نمایند در ادامه برخی از کشورهایی که با مشوق های جمعیتی به فکر ازدیاد نسل هستند معرفی می گردد. «جمعیت جهان از مرز هفت میلیارد نفر گذشته است و سازمان ملل نسبت به افزایش بی رویه جمعیت جهان و پیامدهای ناگوار آن هشدار داده است؛ این در حالی است که آهنگ رشد جمعیت در جهان نسبت به پنجاه سال پیش کاهش یافته و جمعیت دنیا در حال پیر شدن تدریجی است»

بنابر گزارش موسسه آمار وابسته به سازمان ملل متحد، با این وجود کشورهایی در دنیا هستند که نرخ رشد جمعیتشان منفی است و هر ساله جمعیت کشورشان کمتر و کمتر می شود. کشورهایی مانند آلمان، روسیه، مجارستان، مالدیو، چک، کرواسی، کوبا، لهستان و استونیا؛ از سوی دیگر، بیش از نود درصد کشورهای دارای نرخ منفی جمعیت در قاره اروپا قرار دارند و در حال حاضر اکثریت جامعه اروپایی با لغو سیاست های کنترل جمعیت، به دنبال مشوق هایی برای افزایش جمعیت خود هستند تا هرم سنی رو به پیری گرایش پیدا نکند. «یکی از مشوق های در نظر گرفته شده در کشورهای گرایش پیدا کرده به سمت پیری، مشوق های مالی برای سرپرست های خانواده به خصوص مادرانی هستند که باردار بوده و یا بعد از وضع حمل به نوعی این افراد مورد حمایت و تشویق دولت ها قرار می گیرند؛ به نظر می رسد در کشورهای غربی و یا به تعبیر دیگر در اکثریت کشورها، مشوق های مالی "cash incentives" بیش از دیگر مشوق ها تحت حمایت دولت ها قرار گرفته است که در ادامه به نمونه هایی اشاره می شود» (<http://ricochet.com/main-feed/Incentives-Matter-Solving-the-World-s->

آلمان

کشور آلمان نیز مانند دیگر کشورهای صنعتی، به دنبال تهدید این کشور در موضوع کاهش تولید نسل مشوق هایی برای ازدواج و افزایش موالید در این کشور به کار بسته است. یکی از مشوق های آلمان برای افزایش نسل، تصویب قانون برای کمک به مهاجرانی است که چندین سال در این کشور زندگی کرده و فرزندان شان تا ۱۷ سالگی در کشور آلمان تدریس می کنند به گونه ای که دولت این کشور موظف به پرداخت کمک هزینه تحصیل به این افراد است و در سنین کودکی نیز با سبدهای حمایتی به این افراد کمک مالی میکند (<http://www.workpermit.com/news/>).





در کنار حمایت آلمان از بچه دار شدن پناهندگان، مشوق هایی برای خانواده های آلمانی نیز وجود دارد، به عنوان مثال، یورو نیوز در گزارش اعلام کرده است که "کریستینا شرودر" وزیر امور خانواده آلمان به دنبال ارائه طرحی است که به پدربزرگ ها و مادربزرگ ها اجازه می دهد که برای نگهداری از نوه هایشان مرخصی بدون حقوق بگیرند؛ کریستینا شرودر که خود دارای یک فرزند است می گوید: پدربزرگ ها و مادربزرگ ها معمولا همانند فرزندان شان شاغل هستند، اما دوست دارند که زمان بیشتری را با نوه هایشان سپری کنند. به همین دلیل ما می خواهیم با ارائه این برنامه به آنها اجازه دهیم برای مدت کوتاهی از کار مرخصی بگیرند یا میزان کار خود را کم کنند (<http://persian.euronews.com>).

از دیگر اقدامات دولت آلمان، کمک مالی به پدران و مادران شاغلی است که به دلیل تولد فرزند خود و یا مرخصی بواسطه نگهداری از فرزند، دستمزدی دریافت نکردند؛ بنابر این حمایت مالی، مردان و یا زنانی که دستمزدی دریافت نکرده اند، دو سوم دستمزد خود را با افزایش ۲,۳۷۵ دلاری در هر ماه از دولت دریافت می کنند و کسانی که حقوق پایین تری دریافت می کنند ۱۰۰ درصد حقوق خود را از دولت دریافت می کنند.

اگر یکی از والدین در مرخصی باشد تا ۱۲ ماه می تواند به صورت فوق در مرخصی باقی بماند با ضمانت این مسئله که بعد از ۱۲ ماه به همان شغل قبلی خود باز می گردد و اگر هر دو والدین در مرخصی باشند تا ۱۴ ماه می توانند اینگونه در کنار خانواده خود حضور داشته باشند (<http://www.washingtonpost.com/wp>). دولت آلمان امیدوار است با مشوق های مالی و حمایتی خود میزان مولید در کشورش را افزایش دهد.

انگلستان:

این کشور جمعیتی ۵۳ میلیونی دارد و میانگین مولید به ازای هر زن در آن ۹/۱ نفر است. از سیاست های این کشور در راستای افزایش جمعیت، اختصاص ۵۲ هفته مرخصی زایمان برای زنان که ۳۹ هفته آن با حقوق است به این صورت که ۶ هفته اول مرخصی با ۹۰ درصد حقوق است و مابقی آن حداقل دستمزد برای پرداخت است. در انگلستان برای خانواده دارای فرزند حقوق هفتگی در نظر گرفته شده که فرزند اول ۳/۲۰ پوند و برای هر فرزند اضافه تر ۴/۱۳ پوند پرداخت می شود.





آمارهای اخیر در فرانسه حاکیست که هم اکنون افراد بیش از ۶۵ سال حدود ۱۱ میلیون و ۲۰۰ هزار نفر معادل ۱۷,۱ درصد از شهروندان فرانسوی را تشکیل می دهند؛ آمارها نشان می دهد که پیری در سال ۲۰۱۰ میلادی در فرانسه نسبت به سال ۲۰۱۱ میلادی از رشد چهار دهم درصدی برخوردار بوده که این امر حاکی از سرعت گرفتن پیری در میان جامعه فرانسوی است (www.kaisernetwork.org/dailyreports/healthpolicy).

براساس این آمار، افراد کمتر از ۲۰ سال در فرانسه بیش از ۲۴ درصد از مردم این کشور را تشکیل می دهند که افزون بر ۱۶ میلیون نفر می باشند؛ بر همین اساس تا آخر سال ۲۰۱۱ میلادی جمعیت فرانسه به عنوان دومین کشور پرجمعیت اروپا، به ۶۵ میلیون و ۴۰۰ هزار نفر رسیده که نسبت به سال ۲۰۱۰ میلادی به میزان ۳۴۰ هزار نفر افزایش داشته است. میزان ازدواج در سال ۲۰۱۱ در فرانسه نیز نسبت به سال ۲۰۱۰ میلادی کاهش یافته و از ۲۵۱ هزار مورد به ۲۴۱ هزار مورد رسیده است. طول متوسط عمر زنان و مردان نیز به میزان یک تا دو ماه ظرف سال ۲۰۱۱ میلادی در فرانسه افزایش داشته که نسبت به سال قبل میانگین سن هر جنس به ترتیب ۸۴,۴ سال و ۷۸,۲ سال بوده است.

فرانسه حمایت مالی خود از والدینی که بچه دار می شوند را به وزارت خانه های مربوطه ابلاغ کرد تا بر اساس قوانین جدید خانواده های فرانسوی نسبت به بچه دار شدن خود در فرانسه هیچ ترسی درباره از دست دادن شغل خود به دلیل مرخصی طولانی و یا مخارج فرزندان نداشته باشند. بنابر قوانین جدید، خانواده های فرانسوی تا سه سال می توانند با ضمانت اینکه به شغل خود بر می گردند، در کنار فرزند خود حضور داشته باشند؛ دولت به صورت سالانه از سه سالگی تا سنین تعیین شده نسبت به کمک هزینه های مالی فرزندان برای پیش دبستانی و همچنین دوران مدرسه و دانشگاه به خانواده ها تضمین قانونی می دهد. سبد کالا و همچنین کاهش اخذ مالیات و استفاده از امکانات دولتی برای فرزندان و خانواده ها در نظر گرفته می شود و دولت در صورت استخدام خدمتکار برای خانواده هایی که بچه دار شده اند، هزینه خدمتکار را تاحدی تقبل می کند (www.kaisernetwork.org/dailyreports/healthpolicy).



ژاپن

ژاپن یکی از پائین‌ترین نرخ‌های تولد را در سرتاسر جهان دارد و کارشناسان به تازگی هشدار داده بودند که در صورت تغییر نکردن وضعیت ممکن است که در سال ۳۰۱۱، ژاپن دیگر کودک زیر ۱۵ سال نداشته باشد. به همین خاطر در ژاپن که بالاترین درصد جمعیت مسن را دارد قانونی به نام کودومو تیت در سال ۲۰۱۰ در نظر گرفته شد تا وضعیت هرم سنی جمعیت این کشور بهبود یابد. جمعیت بالای ۶۵ سال ژاپن از ۵/۲۶ میلیون نفر در سال ۲۰۰۶ به ۴۷/۲۹ میلیون نفر در سال ۲۰۱۱ افزایش یافت. در حالی که گروه سنی بالای ۶۵ سال در سال ۲۰۰۶، بیست درصد جمعیت ژاپن را تشکیل می‌دادند مقام‌های ژاپنی متوجه شدند در صورتی که دست به کار نشوند در سال ۲۰۵۵ با جمعیتی که ۳۵ درصد آن را گروه سنی بالای ۶۵ سال تشکیل می‌دهد مواجه خواهند شد. بر اساس قانون کودومو تیت که در سال ۲۰۱۰ به وسیله حزب دموکراتیک این کشور اجرایی شد خانواده‌هایی که فرزند تا سن ۱۵ سال دارند ماهانه تا ۱۳ هزار ین کمک مالی دریافت می‌کنند؛ از سوی دیگر پدر و مادر یکی به یک می‌توانند در صورت اخذ مرخصی با نصف حقوق خود تا سقف تعیین شده در مرخصی حضور داشته باشند و بدون هیچ تغییری به کار قبلی خود بازگردند (<http://www.city.kamogawa.lg.jp/EN>).

روسیه

ولادیمیر پوتین رئیس جمهور روسیه در جریان تبلیغات انتخاباتی خود تأکید کرد که جمعیت روسیه باید افزایش یابد تا این کشور در آینده دچار مشکل نشود. او اعلام کرده که به دنبال تغییر در روند رو به کاهش جمعیت روسیه است و قصد دارد برنامه‌ها و سیاست‌های اجتماعی خود را طوری تنظیم کند که جمعیت ۱۴۳ میلیونی روسیه به ۱۵۴ میلیون نفر در سال‌های آتی افزایش یابد (<http://www.prb.org/articles/>). جمعیت کشور روسیه ۱۴۳ میلیون نفر و رشد جمعیت آن منفی است. بعد از روی کار آمدن پوتین در کشور روسیه سیاست‌های تشویقی برای افزایش جمعیت بیش از پیش قوت گرفت. خانواده‌هایی که دارای فرزند می‌شوند از پرداخت ماهیانه تا سقف معینی معاف می‌شوند و مورد حمایت‌های مالی برای تربیت و رشد فرزندشان قرار می‌گیرند. دولت این کشور برای فرزندان اول ۱۵ هزار دلار و برای تولد فرزند سوم یک خانه به پدر و مادر نوزاد هدیه می‌دهد. همچنین مادری که دارای فرزند می‌شود می‌تواند ۹ هزار و ۶۰۰ دلار کمک هزینه دریافت کند (<http://www.nytimes.com>).



سوئد

کشور سوئد کشور کم جمعیتی است که نرخ باروری به ازای هر زن در آن در حدود ۶۷/۱ نفر است. در این کشور مرخصی والدین ۱۵ ماه است و آنها اجازه دارند بعد از این مدت تا ۸ سالگی کودکشان به طور متناوب مرخصی بگیرند و در زمان مرخصی، ۸۰ درصد حقوق خود معادل ۴۸۰ روز کاری بهرمنند شوند. همچنین خانواده‌هایی که بعد از ۳۰ ماه برای فرزند بعدی اقدام می‌کنند، از امکانات ویژه‌ای برخوردار می‌شوند. دولت سوئد به ازای هر کودکی که متولد می‌شود تا سن ۱۶ سالگی کمک هزینه مشخص و بلاعوضی به خانواده پرداخت می‌کند. میزان این مبلغ ماهیانه برای یک کودک در حدود یک هزار و ۵۰۰ کرون، دو کودک ۲ هزار و ۲۰۰ کرون، سه کودک ۳ هزار و ۶۰۰ کرون و چهار کودک ۵ هزار و ۵۰۰ کرون (حدود ۲۱ میلیون تومان) تعیین شده است.

ایرلند

ایرلند کشوری ۴ میلیون نفر است که با نرخ رشد جمعیت ۲۵/۲ درصدی و نرخ مولید ۰/۲ فرزند به ازای هر زن در شمال غرب اروپا قرار دارد. از سیاست‌های جمعیتی این کشور می‌توان به اختصاص حقوق ماهیانه به والدین براساس تعداد فرزندان اشاره کرد که به برای تک فرزند ۱۵۰ یورو، دو فرزند ۳۰۰ یورو، سه فرزند ۴۸۷ یورو، چهار فرزند ۶۷۱ یورو، پنج فرزند ۸۶۱ یورو، شش فرزند ۱۰۴۸ یورو، هفت فرزند ۱۲۳۵ یورو و هشت فرزند ۱۴۲۲ یورو است. البته این مقدار به فرزندان زیر ۱۶ سال و یا ۱۹ سالی که به صورت تمام وقت تحصیل می‌کنند تعلق می‌گیرد

فنلاند

فنلاند به خانواده‌هایی که به تازگی صاحب فرزند شده‌اند، پکیج زایمان شامل انواع لباس گرم، لباس خواب و کتاب و یا کمک مالی به ارزش ۱۴۰ یورو اعطا می‌نماید.

دانمارک

تبلیغاتی با عنوان «برای دانمارک این کار را بکن!»، توسط یک آژانس مسافرتی دانمارکی انجام می‌شود که زوج‌های دانمارکی را تشویق می‌کند تا در سفر بچه‌دار شوند. به این صورت که زوج‌ها اگر بتوانند ثابت کنند که در سفر بارور شده‌اند می‌توانند برنده امتیاز سه ساله محصولات و





کالاهای مربوط به کودک شوند. این طرح با عنوان خلاقانه «تعطیلات به نفع کودکان» انجام می شود.

سوئد

کشور سوئد کشور کم جمعیتی است که نرخ باروری به ازای هر زن در آن در حدود ۶۷/۱ نفر است. در این کشور مرخصی والدین ۱۵ ماه است و آنها اجازه دارند بعد از این مدت تا ۸ سالگی کودکشان به طور متناوب مرخصی بگیرند و در زمان مرخصی، ۸۰ درصد حقوق خود معادل ۴۸۰ روز کاری بهرمند شوند. همچنین خانواده‌هایی که بعد از ۳۰ ماه برای فرزند بعدی اقدام می‌کنند، از امکانات ویژه‌ای برخوردار می‌شوند. دولت سوئد به ازای هر کودکی که متولد می‌شود تا سن ۱۶ سالگی کمک هزینه مشخص و بلاعوضی به خانواده پرداخت می‌کند. میزان این مبلغ ماهیانه برای یک کودک در حدود یک هزار و ۵۰۰ کرون، دو کودک ۲ هزار و ۲۰۰ کرون، سه کودک ۳ هزار و ۶۰۰ کرون و چهار کودک ۵ هزار و ۵۰۰ کرون (حدود ۲۱ میلیون تومان) تعیین شده است.

نروژ

این کشور با جمعیتی ۵ میلیونی و نرخ رشد ۳/۱ درصدی است. میانگین نرخ مولید به ازای هر زن در این کشور هم ۷۷/۱ نفر است. نروژ مدتهاست به فکر افزایش جمعیت است و از این رو سیاست‌های اجتماعی را مبتنی بر این موضوع طراحی کرده است. سیاست‌های این کشور نه فقط در خصوص افزایش جمعیت بلکه بیشتر حمایت از کودکان تازه متولد شده و وضعیت رفاهی آنان است. تخفیف ساعات کاری به همراه دریافت مزایای شغلی برای والدین، تصویب قوانینی در زمینه ایجاد مراکز رفاهی و حمایتی برای مراقبت روزانه از کودکان از سیاست‌های کشور نروژ برای افزایش جمعیت و میل هرچه بیشتر خانواده‌ها به فرزندآوری است.

تبعات کنترل جمعیت

بحران میزان باروری و تجدید نسل، کاهش حجم کل جمعیت ملی، بحران کاهش نیرو در کار، بحران پیری جمعیت و افزایش مهاجرت‌های بین‌المللی و تغییرات هویتی و فرهنگی و از همه مهمتر آسیب پذیری امنیت ملی، از اساسی‌ترین مصادیق چالش‌های جمعیتی به شمار می‌آیند.





تبعات فرهنگی، اجتماعی

مهم‌ترین چالش‌های فرهنگی - اجتماعی ناشی از کاهش ناگهانی رشد جمعیت عبارت‌اند از: بحران ساختاری خانواده، شکاف‌های نسلی بر اثر به هم خوردن توازن جمعیت نسل‌ها، جمع شدن چترهای حمایتی خانواده از سالمندان و کاهش تدریجی سرمایه اجتماعی.

تبعات اقتصادی

از نگاه جمعیت‌شناختی، جمعیت در حال رشد و جوان، احتیاج بیشتری به کالا و خدمات دارد و به همین دلیل در جامعه در حال رشد، تقاضا برای امکانات مسکن، املاک و مستغلات افزایش می‌یابد، ولی با کاهش سطح باروری و کم شدن جمعیت، جمعیت متقاضی کالاهای اساسی از جمله مسکن و امکانات رفاهی کاهش خواهد یافت و این موضوع زمینه ساز ایجاد بحران اقتصادی در جامعه خواهد بود (دارابی و دیگران، ۱۳۹۱: ۵۸).

تبعات سیاسی، امنیتی

تضعیف نیروی دفاعی کشور: نیروی جوان و جمعیت فراوان، یکی از شاخص‌های اقتدار نظامی و دفاعی است. از فرصت‌های مهم ناشی از جمعیت کشور، می‌توان به توانمندی و اقتدار نظامی و سیاسی کشور در عرصه بین‌المللی اشاره کرد. به طور قطعی، جامعه‌ای که در سطح بین‌المللی دارای جمعیت بیشتر و جوان‌تری است، می‌تواند دارای ارتش و قدرت نظامی قوی‌تری نیز باشد. دوران جنگ تحمیلی و حضور جوانان در عرصه‌های نظامی و عملیات‌های سرنوشت‌ساز، برگ برنده‌ای بود که ایران اسلامی توانست در دوران دفاع مقدس آن را کسب کند. مطمئناً کشوری که دارای جمعیت اندک و یا پیر باشد، توان رویارویی مقتدرانه در برابر تجاوز بیگانگان را نخواهد داشت (سبحانی نیا، ۱۳۹۱). اگرچه امروزه اقتدار نظامی در مناسبات بین‌المللی از اولویت خارج شده است و دولت‌ها تسلط بر مناسبات جهانی را در اقتدار اقتصادی جست‌وجو می‌کنند، اما در شرایطی که جمهوری اسلامی ایران در معرض تهدیدهای جدی دشمنان سیاسی خود قرار دارد و آشکارا مورد تهدید قدرت‌های زورگو قرار می‌گیرد، نمی‌توان از این مزیت در راستای اقتدار نظامی کشور، چشم‌پوشی نمود (وشمگیر، ۱۳۸۸: ۱۳۲).

کاهش جمعیت جوان و نخبه کشور: از اصلی‌ترین پایه‌های پیشرفت و توسعه کشور، نیروی انسانی است. کشوری که با پیری جمعیت روبه‌رو شود، خود به خود جمعیت جوان و نخبه آن دچار آسیب می‌گردد و این کشور مهم‌ترین برگ برنده خود را در توسعه از دست خواهد داد.





همان گونه که بسیاری از کشورهای پیشرفته، فقدان جمعیت نخبه خود را با مغزهای متفکر جوانان کشورهای جهان سوم جبران می کنند (سبحانی نیا، ۱۳۹۱).

برهم خوردن تعادل جمعیتی: در بیان ساده تر، منظور از نرخ باروری کل تعیین تعداد فرزندان است که جانشین والدین شوند. اگر این شاخص در حد $2/1$ بچه یا کمتر باشد، به معنای کاهش تدریجی جمعیت و درنهایت، انقراض نسلی است. با مراجعه به ارقام مرکز آمار ایران و سازمان ملل در سال ۱۳۸۵ این رقم برای کل کشور $1/8$ فرزند است. یعنی ۱۸ فرزند با ۲۰ نفر والدین جایگزین می شود که ۲ نفر کمتر از حد جانشینی است. این رقم در حال حاضر (۱۳۹۰) به حدود $1/6$ فرزند برای هر مادر رسیده است. در صورت اثبات صحت رقم یادشده، علی رغم نظر منتقدان، موضوع انقراض تدریجی نسل مطرح و با ملحوظ داشتن عامل مهاجرت تقویت می شود. تردیدی نیست که باید برای اصلاح آن به روش مقتضی اقدام شود (مشفق، ۱۳۸۹: ۲۲).

امروزه شاهد تفاوت نرخ رشد جمعیت در استان های مرکزی و حاشیه ای هستیم، به گونه ای که نرخ رشد استان های مرزی تقریباً حدود ۵ برابر نرخ رشد جمعیت مرکزی است. با نگاهی به نقشه توزیع جمعیت در کشور، می توان دریافت که جمعیت ایران در بستر جغرافیایی خود به گونه ای ناموزون پخش شده است؛ یعنی اگر سرزمین ایرن به دو نیمه شرقی و غربی تقسیم شود، می توان دریافت که تراکم جمعیت در نیمه غربی کشور ایران به مراتب بیشتر از نیمه شرقی آن است (وشمگیر، ۱۳۸۸: ۱۲۴).

همین تراکم کم یا زیاد، خود بر روی نحوه بهره برداری از زمین تأثیر می گذارد و بنابراین، کاربری اراضی تحت تأثیر تراکم جمعیت متحول می گردد؛ به گونه ای که شهرها در بهترین زمین های کشاورزی گسترش می یابد. این امر، ضمن داشتن آثار و پیامدهای منفی ناشی از تراکم جمعیت برای زندگی افراد جامعه، از ناحیه کاهش زمین های کشاورزی موجود، تخلیه منابع طبیعی جامعه و درنتیجه، تضعیف امنیت غذایی کشور و به تبع آن، افزایش وابستگی به مواد غذایی وارداتی، امنیت عمومی جامعه را تهدید می کند (همان، ۱۲۶-۱۲۷).

تضعیف جایگاه ایران به عنوان یک کشور شیعی: هرچند که شیعیان در سراسر جهان در میان ملل اسلامی پراکنده هستند؛ ولی تنها کشوری که در آن دولتی با حاکمیت شیعه سر کار است، کشور ایران است. این کشور هم اکنون ام القرای جهان اسلام است و چشم جهان اسلام به آن دوخته شده است. این سرمایه ارزشمند شیعه که منادی اسلام ناب محمدی در جهان است، می





باید هم از نظر کمی و هم کیفی شاخص های لازم را داشته باشد و یکی از این شاخصه ها، جمعیت قابل قبول است که بتواند در برابر جهان کفر قد علم کند (سبحانی نیا، ۱۳۹۱).

نکته حایز اهمیت در خصوص کاهش جمعیت، برنامه ای است که سیاست مدارن و استراتژیست های آمریکایی و اروپایی برای مقابله با جمهوری اسلامی ایران در نظر گرفته اند. برژینسکی - مشاور سابق امنیت ملی آمریکا - در مصاحبه ای با روزنامه «وال استریت ژورنال» در مارچ ۲۰۰۹، در خصوص تغییر جمعیت ایران نکته ای را بیان کرد که ابعاد بسیار گسترده ای دارد. وی در این مصاحبه گفته بود: «از فکر کردن به حمله پیش دستانه علیه تأسیسات هسته ای ایران بپرهیزید و گفت و گوها با تهران را حفظ کنید، بالاتر از همه، بازی طولانی مدتی را انجام دهید؛ چون زمان و آمارهای جمعیتی و تغییر نسل در ایران به نفع رژیم کنونی نیست» (همان)

نتیجه گیری

مسائل مربوط به جمعیت از انگاره های امنیت ملی یک کشور تعریف گردیده و از اهمیت فوق العاده ای برخوردار است. موضوع جمعیت که در مباحث راهبردی به عنوان «منابع انسانی» مطرح می شود، از جمله مؤلفه ها و شاخصه های اصلی در تعریف «قدرت ملی» کشورها به شمار می رود، به تعبیری جمعیت مهم ترین عامل امنیت ملی کشورها است. در واقع قدرت، اراده و عمل در عرصه های سیاسی، فرهنگی و اجتماعی و نظامی است. جمعیت سایر عوامل قدرت ملی را در تحت تأثیر خود قرار می دهد. بنابراین عامل جمعیت، در ابعاد کمی و کیفی باید مورد توجه قرار گیرد. جمعیت زیاد در صورتی که افراد آن از توانایی ها و قابلیت های علمی و فنی برخوردار باشند مولد ثروت و امنیت خواهند بود. تبیین مسئله پیشگیری از ازدیاد نسل، در متن پژوهش تشریح شد، جمعیت ایران در طول تاریخ متحمل خسارت های زیانبار از طریق عوامل درونی و بیرونی شده و در بررسی دلایل این امر تبیین گردید که، سیاست های کنترل جمعیت با توصیه کشورهای غربی و با حمایت سازمان های بین المللی و به وسیله عوامل داخلی در ایران اجرا و امروزه باعث تهدید نسل شده است، تا جایی که نرخ رشد جمعیت کشور به مرز نگران کننده (۱/۳ درصد) کاهش یافته است این معضل می تواند زنگ هشدار برای افق چشم انداز آینده کشور تلقی گردد. کاهش جمعیت جوان، به معنای کم شدن تعداد نیروهای توانمند برای دفاع از اقتدار، امنیت و تمامیت ارضی کشور است و این موضوع برای کشوری با ویژگی های جمهوری اسلامی ایران که همواره در معرض تهدیدهای فزاینده نظام سلطه و جهان استکبار است، بسیار خطر ساز است. زیگنیو برژینسکی، مشاور امنیت ملی سابق آمریکا و سیاستمدار کهنه کار این کشور، در مصاحبه با جرال د سیب، دبیر روزنامه





امریکایی وال استریت ژورنال می گوید: «از فکر کردن به حمله پیش دستانه علیه تأسیسات هسته ای ایران اجتناب کنید و گفت وگوها با تهران را حفظ کنید. بالاتر از همه، بازی طولانی مدت را انجام دهید؛ چون زمان، آمارهای جمعیتی و تغییر نسل در ایران به نفع رژیم کنونی نیست» (خبرگزاری فارس، اسفند ۱۳۹۱).

یافته های تحقیق در پاسخ به سؤال اساسی «چه باید کرد؟» نشان می دهد، امروزه که خطرات تحدید نسل و کنترل آن بر همه مشخص و آشکار شده، لازم است تا با حمایت از خانواده های ایرانی و آگاه سازی آنان از اهداف دشمنان، زمینه های گذار از این تهدید اجتماعی و ملی فراهم آید. اگر پذیرفتیم که دشمنان نظام و تشیع در صدد کاهش جمعیت ایران از طریق راه اندازی جنگ های خونین هستند در پذیرش افزایش جمعیت نباید اندکی تردید نمود؛ چرا که جمعیت مکفی (۱۵۰ میلیونی) در کنار وسعت سرزمینی ایران، ایجادکننده اقتصاد قدرتمند منطقه ای و به وجود آورنده نظام دفاعی برخوردار از نیروهای جوان خواهد بود. البته باید توجه داشت که آهنگ رشد جمعیت، مستلزم ایجاد فرصت های شغلی و زمینه های آموزشی، بهداشتی، مسکن و دیگر بسترهای لازم است تا موجبات ناهنجاری ها و دشواری های اجتماعی نگردد. در بررسی مشوق های لازم برای افزایش جمعیت در چند کشور توسعه یافته آشکار شد که، حمایت دولتی و بستر سازی مناسب و همچنین اطمینان دادن به مردم برای افزایش نسل از پیش شرط های اساسی ازدیاد نسل است. مشوق های اقتصادی در تمام کشورهای یادشده، بیش از موارد دیگر خود نمایی می کند بنابر این، لازم است مسئولین نظام جمهوری اسلامی ایران، در کنار کار فرهنگی برای افزایش نسل، بسترهای لازم، مشکلات اقتصادی خانواده ها و همچنین معضلات معیشتی را برطرف نموده تا خانواده ها برای افزایش نسل و جوانان برای ازدواج، بدون هیچ مشکل اقتصادی و اجتماعی به سمت این مسئله تشویق شوند تا هرم سنی کشور به سمت اعتدال حرکت کند و امنیت ملی در ساحت های گوناگون تامین گردد. در پایان، جهت برون رفت از وضع موجود و به منظور حل مشکلات کاهش جمعیت کشور و دستیابی به الگوی امنیت پایدار، پیشنهادهای زیر ارائه می شود:

پیشنهادهای:

حوزه فرهنگی: رسانه های جمعی باید در سیاست گذاری های خود در زمینه فرهنگ سازی برای افزایش جمعیت، به موضوعات ذیل توجه جدی کنند:





- بررسی دقیق و کارشناسی بحران‌ها، آسیب‌ها و چالش‌های فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، امنیتی و اقتصادی ناشی از کاهش جمعیت؛
- بررسی راهکارهای رسانه‌ای مقابله با طرح‌ها و برنامه‌های یادشده؛
- ایجاد حساسیت درباره بحران‌ها و آسیب‌های ناشی از کاهش جمعیت
- تبیین درست و مناسب آثار و پیامدهای این بحران‌ها برای مردم (ر.ک، شفیع سروستانی، ۱۳۹۲ : ۷۹-۱۶۱)؛
- بازنگری در مبانی هستی‌شناسی و معرفت‌شناختی «دانش اقتصاد» حرکت در مسیر «اقتصاد اسلامی» مبتنی بر معارف قرآنی، برای روشن شدن رونمای مثبت جمعیت؛
- بررسی و تبیین نقش عزم ملی در خنثی‌سازی طرح‌ها و برنامه‌های مجامع مخفی جهانی.
- ارتقاء آگاهی‌های فرهنگی و اجتماعی مردم نسبت به عواقب کاهش جمعیت کشور و برانگیختن احساس مسئولیت عمومی.

- حوزه‌های علمی

- رصد مداوم تحولات جمعیتی توسط مراکز علمی - پژوهشی معتبر در سطح کشور و آینده پژوهی در احصاء نیازهای جمعیتی؛
- انجام مطالعات عمیق در زمینه ارزیابی سیاست‌های جمعیتی گذشته، حال و آینده برای رسیدن به حد مطلوب جمعیت.

- حوزه قانون‌گذاری:

- تدوین سیاست‌های جامع جمعیتی؛
- اصلاح و نظارت بر اجرای قوانین مربوط به سقط جنین غیرقانونی و غیرشرعی؛
- تشکیل شورای عالی سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی جمعیت با تأکید به منابع اسلامی.
- دو - بررسی راهکارهای رسانه‌ای مقابله با طرح‌ها و برنامه‌های یادشده؛
- سه - بررسی و تبیین نقش ملت ایران در خنثی‌سازی طرح‌ها و برنامه‌های مجامع مخفی جهانی.
- ی) ایجاد حساسیت درباره بحران‌ها و آسیب‌های ناشی از کاهش جمعیت



منابع

قرآن مجید

امام خمینی، روح الله (۱۳۷۸) صحیفه نور ج ۱۸، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی «ره»، تهران.
امیراحمدی، هوشنگ و فریدون نیک پور، (۱۳۶۹) «رشد جمعیت و توسعه اقتصادی و اجتماعی»
(دی ۶۹)، اطلاعات سیاسی اقتصادی، ش ۴۰، ص ۴۷-۵۷.

ابتکار، فریبا، **روناک شاهویی** (۱۳۸۵) بهداشت مادر و کودک و تنظیم خانواده، تهران شهر آب،
پایگاه اطلاع رسانی خبرگزاری فارس.

اسنایدر، مایکل. (۱۳۹۰). «از هفت میلیارد به پانصد میلیون نفر: دستور کار نخبگان جهانی برای
کنترل جمعیت

بیانات، در اجتماع مردم بجنورد، ۱۳۹۱/۷/۱۹

تقوی، نعمت اهل، (۱۳۱۹) جمعیت و تنظیم خانواده، تبریز، نشر جامعه پژوه و نشر دانیال.
حسینی طهرانی، سید محمدحسین، (۱۴۱۵هـ.ق) رساله نکاحیه: کاهش جمعیت، ضربه ای سهمگین بر
پیکر مسلمین، تهران، حکمت، چاپ اول.

همان (۱۳۴۵) کاهش جمعیت ضربه ای سهمگین بر پیکر مسلمین، مشهد، مؤسسه ترجمه و نشر دوره
علوم و معارف اسلامی.

خبرگزاری فارس، ۱۳۸۸/۱۲/۱۵

خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران (ایرنا)، ویژه نامه جمعیت، شهریور ۱۳۹۰.

دارابی، سعدالله و محمد ترکاشوند و غلامرضا لطیفی. ۱۳۹۱. «پیامدهای اقتصادی - اجتماعی
سالخوردگی جمعیت در ایران (۱۳۳۰ - ۱۴۳۰)». کتاب ماه اجتماعی. ۵۸ (۱۶).

دهخدا، علی اکبر (۱۳۴۴)، لغت نامه، تهران، دانشگاه تهران.

. رفیع پور، فرامرز، (۱۳۸۰) توسعه و تضاد: کوششی در جهت تحلیل انقلاب اسلامی و مسائل
اجتماعی ایران. تهران: شرکت سهامی انتشار. چاپ پنجم.

سبحانی نیا، محمد، (۱۳۹۱) «تحدید خانواده، تهدید جامعه» محرم ۹۱ ره توشه راهیان نور، ش ۱، ص
۵۰-۲۵.



- شفیعی سروستانی، اسماعیل، (۱۳۹۱) «مجامع مخفی». موعود. ۱۳۶ - ۱۴۱.
- شیخی، محمدتقی، (۱۳۷۹)، جمعیت و تنظیم خانواده، تهران، انتشار.
- سلطانی، محمدعلی (۱۳۷۴) «اثرات جمعیت بر ناهنجاری های اجتماعی»، فصلنامه مطالعات جغرافیایی، شماره ۳۹، زمستان ۷۴، ص ۱۲۰.
- شفیعی سروستانی، ابراهیم، (۱۳۹۰). زن؛ نظام سلطه و رسانه ها. قم: مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما. چاپ اول.
- طلعتی، محمدهادی، (بی تا)، رشد جمعیت، تنظیم خانواده، سقط جنین، قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم .
- عظیم زاده اردبیلی، فائزه و انسیه خدایی، (۱۳۳۱) «فرهنگ کنترل موالید در نگاه فقهی و اجتماعی» دو فصلنامه علمی - ترویجی فقه و حقوق ندای صادق شماره ۱۱، تهران، دانشگاه امام صادق (ع) پردیس خاوران.
- علیمحمدی، مجید، (۱۳۹۰) «منابع تنش و تهدید ایران و جمهوری آذربایجان»، فصلنامه مطالعات سیاسی روز، سال دهم، شماره ۴۰، تابستان ۱۳۹۰.
- عمید، حسن، (۱۳۸۹)، فرهنگ فارسی، تهران، امیرکبیر.
- کاظمی پور، شهاب، (۱۳۸۸)، مبانی جمعیت شناسی، تهران، مرکز مطالعات و پژوهش های جمعیتی آسیا و اقیانوسیه.
- کولمن، جان، (۱۳۸۰). کمیته ۳۰۰ کانون توطئه های جهانی. یحیی شمس. تهران: فیروزه. چاپ هشتم.
- کیث، جیم، (۱۳۸۸) «بمب جمعیت». فاطمه شفیع سروستانی. موعود..
- کلاتری، صمد، (۱۳۷۸)، جمعیت و تنظیم خانواده، اصفهان، فروغ ولایت.
- گاردنر، جان ویلیام، (۱۳۸۶)، جنگ علیه خانواده، تلخیص و تدوین معصومه محمدی، قم، دفتر مطالعات و تحقیقات زنان.
- گوانزالز، سرواندو (۱۳۹۰) «میلیاردرها در خدمت نسل کشی». سیاحت غرب.
- معین، محمد، (۱۳۸۵)، فرهنگ فارسی معین، تهران، امیرکبیر.



ماندل، رابرت، چهره متغیر امنیت ملی، ترجمه پژوهشکده مطالعات راهبردی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی

محمودیان، حسین، دانش خانواده.

محمودیان ۹۰-۹۲، درآمدی بر نظریه‌های جمعیت‌شناسی، فصل دوم

مرکز آمار ایران، گزیده نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۹۰، تهران، روابط عمومی مرکز آمار، چاپ اول، ۱۳۹۱.

وشمگیر خسروی، حسن، (۱۳۸۸)، آسیب‌شناسی تحولات ساختار جمعیت در ایران (با رویکرد امنیت اقتصادی، تهران، مؤسسه تحقیقاتی تدبیر.

مشفق، محمود و همکاران، (۱۳۸۹) لزوم تجدیدنظر در سیاست‌های جمعیتی ایران، تهران، مرکز مطالعات و پژوهش‌های جمعیتی آسیا و اقیانوسیه.

نصری، قدیر، نفت و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی
نویدنیا، منیژه، (۱۳۸۸) تحلیل رابطه شرایط اجتماعی و گفتمان امنیت، آشتیان: فصلنامه تخصصی جامعه‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد آشتیان، سال پنجم، شماره دو، تابستان ۱۳۸۸

منابع اینترنتی

(<http://www.nytimes.com>)

(<http://www.prb.org/articles/>)

(<http://www.city.kamogawa.lg.jp/EN>)

(www.kaisernetwork.org/dailyreports/healthpolicy)

(<http://www.forbes.com/sites/joelkotkin>)

(<http://www.washingtonpost.com/wp>)

(<http://persian.euronews.com>)

(<http://www.workpermit.com/news/>)

<http://ricochet.com/main-feed/Incentives-Matter-Solving-the-World-s-panindigan.tripod.com/panindigan.html>.(

(panindigan.tripod.com/panindigan.html).

منابع لاتین



Amir ahmadi,H.,and Parvin,M.,(EDS),Post-Revolutionary Iran.
Aghajanian,A.,1988,z Post-Revolutionary Demographic Trends in :Boulder
London:Westview Press. IranZ

"AIDS, Opium, Diamonds, and Empire: The Deadly Virus of International
Greed"[Link](#)

Alvin and Heidi Toffler. ,War and Anti-War ,Boston: Little, Brown & Co.,
1993, p.155

<http://www.whitehouse.gov/nsc/history.html>-7

Amir ahmadi.H.,Revolution and Economic Transition:the Iranian
EXperience,Albany,New York:State University of New York Press, ,1990

